یادداشت

به وقت تعهد و مسئولیت!

حسین نظری
روزنامه‌نگار

طی سال‌های اخیر، اختتامیه‌ای این‌چنین برای جشنواره فیلم فجر تقریبا بی‌سابقه بوده؛ از آن حیث که اختتامیه امسال کلیت جشنواره را کاملا تحت‌الشعاع قرار داده است. آنچنان که طی روزهای اخیر و با وجود اینکه چند روز از پایان جشنواره گذشته است، نقد و نظرها پیرامون حواشی اختتامیه همچنان ادامه دارد و نقدهای فنی ناظر بر فیلم‌ها در میان انبوه این حواشی به کلی مفقود شده است. حواشی‌ای که در واپسین دقایق اختتامیه و به واسطه اظهارات جنجالی ابراهیم حاتمی کیا شکل گرفته و در ادامه به یک جریان پرسروصدای رسانه‌ای مبدل شده است. چنان که از پی واکنش‌های مثبت و منفی حول این ماجرا-حمایت هواخواهان سینمای حاتمی کیا از یک سو و هجمه منتقدان و مخالفان سینمای او از دیگر سو- بار دیگر نزاع دیرینه میان هنر متعهد- انقلابی و هنر لیبرال- غیرانقلابی به سرعت جدی و به مهم‌ترین مساله فرهنگی میان اقشار مختلف جامعه بدل شد. از مخاطبان عام سینما تا هنرمندان و از مردم عادی کوچه و بازار تا فرهیختگان دانشگاهی و مسئولان، همگی برای دفاع از دیدگاه مطلوب خویش، پای در این میدان نهادند. خوشبختانه طرح مجدد این مسائل خالی از فایده نبود و طی روزهای اخیر منجر به شکل‌گیری دیالوگ‌هایی موثر در متن جامعه شد. مع‌الوصف، برای جلوگیری از تکرار مکررات و پرهیز از تشریح مباحثی که پیش از این توسط عموم رسانه‌ها مطرح شد، نگارنده به همین مجمل بسنده کرده و بعد از این غرض اصلی خویش را پی می‌گیرد.

اگر چه غالب انتقادات وارده به سخنان کارگردان «به وقت شام»، هجمه‌هایی برخاسته از نفرت قلبی جریان شبه‌روشنفکری است، اما سوالی نسبتا اساسی مابه‌الاشتراک بخش قابل‌توجهی از انتقادها است، که علی‌الظاهر همچنان بی‌پاسخ مانده است. از قضا یک خبرنگار ورزشی حامی علی کریمی! کار ما را آسوده کرده و در تحلیل ورزشی‌اش خطاب به خالق «بادیگارد» چنین می‌پرسد: «شما با این جایزه که در دست دارید و هزاران تقدیر و سیمرغ دیگر، به چه چیزی اعتراض می‌کنید؟ مگر چه شده؟ اتفاقی افتاده؟» او می‌افزاید که بعد از پنج بار مرور سخنان حاتمی کیا، در نهایت هیچ پاسخی برای پرسش خویش نیافته و الخ. البته پاسخ به این پرسش مستلزم فهم «منطق» سخنان حاتمی کیاست، والا مرور پنج باره که سهل است، ۵۰ باره هم افاقه نخواهد کرد. بنابراین، آنچه زین پس می‌آید، بیان منطق سخنان اوست در دو بخش، زیرا صحبت‌های جنجالی حاتمی کیا دست کم دو مخاطب دارد:

۱) او می‌گوید: «من فیلمساز وابسته‌ام، فیلمساز این نظامم، من افتخار می‌کنم که فیلمی ساختم در مورد مدافعان حرم و بابت کارهایی که کردم شرمنده نیستم... .» مخاطب این عبارات هژمونی حاکم بر سینمای ایران است. سینمای عافیت‌طلب و بی‌مسئولیت غربی‌مآب، که سال‌هاست زمام فرهنگ این سرزمین را به دست گرفته و به ناکجا آباد می‌برد، سینمای بی‌هویت و دم‌دمی‌مزاج. باری، این نه صدای حاتمی کیا، که فریاد یک اندیشه است. اندیشه‌ای که اگر تا امروز شرمنده بود که بگوید: «من یک نویسنده، مستندساز، کارگردان، بازیگر، نقاش، عکاس و... متعهد و حکومتی‌ام، من آدم این نظامم و دلم می‌تپد برای جمهوری اسلامی، من می‌نویسم که آقا خوشش بیاید، که شهدا خوش‌شان بیاید، که امام زمان (عج) خوشش بیاید و خدا» دیگر شرمنده نیست. جریانی که تحت سلطه هژمونی حاکم، سال‌ها نیش و کنایه شنید و تحقیر شد، اما مایوس نشد و از حرکت باز نایستاد و روز به روز رشد کرد و امروز فریاد زد... و بار این فریاد را «ابراهیم» به دوش کشید. بنابراین، ناگفته پیداست که جریان شبه‌روشنفکر خطر را به خوبی احساس کرده و از آن رو است که تجاهل العارف می‌کند و حاتمی کیا را طلبکار و لوس می‌خواند؛ گویی که نمی‌داند ابراهیم فیلمساز توانمند و کاربلد سینمای ایران است که اولین سیمرغش را در رقابت با حاتمی و مهرجویی برنده شد؟ و چنین کسی مساله‌اش «درد هویت» است نه جایزه و سیمرغ؟

۲) و ادامه می‌دهد: «من اعتراض می‌کنم به تلویزیون و سازمان این تلویزیون که وقتی می‌خواهد فیلم‌های بنده را پخش کند، ۳۰، ۴۰ بار پشت سر هم، ولی به محض اینکه می‌رسد به جایی که باید افرادی را دعوت کند برای اینکه دفاع بکنند از این «نگاه»، عملا تبدیل می‌شود به اپوزیسیون»؛ حاتمی کیا با این جملات به قلب نفاق و ریا می‌زند، به قلب کسانی که از آخور نظام می‌خورند و برای دشمنان ملت دم تکان می‌دهند، او از «دوزیست»ها طلبکار است. افراد بی‌تخصصی که دشمن ملت را کمدی و فانتزی می‌خوانند و هویت ایرانی را به سخره می‌گیرند. آدم‌های ادا و اطواری و مکش مرگ ما!! او از سازمانی طلبکار است که «نگاه ملت» را در «صدا و سیمای ملت» تحقیر می‌کند. سازمانی که نه تنها طی ۶ سال کمترین محتوایی در مورد قاتل جوانان این سرزمین تولید نمی‌کند و از شناساندن «داعش» به مردم، به کلی عاجز است؛ بلکه زحمت دیگران در این حوزه را هم جدی نمی‌گیرد. درد حاتمی کیا درد بی‌غیرتی و راحت‌طلبی است، درد جدی نشدن این «نگاه» نه ارگانی خواندن «به وقت شام».

گزارش

«فرهیختگان» درباره چرایی انتقال موزه هنرهای معاصر تهران به سازمان میراث فرهنگی گزارش می‌دهد

میان ماندن و رفتن

رئیس موزه هنرهای معاصر تهران: دست از سر موزه هنرهای معاصر بردارید

معاون هنرهای سنتی: آثار گنجینه موزه شرایط مساعدی ندارند

آزاده صالحی
روزنامه‌نگار

در روزهای اخیر و در پی انتشار خبری مبنی‌بر اینکه قرار است موزه هنرهای معاصر تهران به سازمان میراث فرهنگی منتقل شود اهالی عرصه هنرهای تجسمی بیانیه‌هایی در این ارتباط منتشر کرده‌اند و مراتب انتقاد و اعتراض خود را نسبت به این مساله ابراز کرده‌اند. پیشتر نیز در سال گذشته، اتفاقی مشابه این برای موزه افتاد، به‌طوری که زمزمه‌هایی مبنی‌بر اینکه قرار است موزه هنرهای معاصر تهران زیرمجموعه بنیاد رودکی قرار بگیرد، اعتراض هنرمندان و واکنش آنها را نسبت به چنین تصمیماتی برانگیخت، با توجه به اینکه هر دو طرف ماجرا، دلایل خاصی نسبت به این مساله برای خود دارند، تلاش کردیم فقط از منظر واکاوی چنین مساله‌ای، در قالب گزارش با دست‌اندرکاران این حیطه به گفت‌وگو بنشینیم.

انتقال موزه به سازمان میراث فرهنگی به ضرر هنر معاصر تمام می‌شود

از علی محمدزارع رئیس موزه هنرهای معاصر تهران درباره چند و چون این خبر می‌پرسم. زارع با اشاره به اینکه اگر موزه هنرهای معاصر تهران به میراث فرهنگی سپرده شود، اتفاق ناخوشایندی صورت می‌گیرد، می‌گوید: «اگرچه من یکی از مخالفان قاطع این اتفاق هستم ولی این‌طور که به نظر می‌رسد تصمیم بر این است تا چنین اتفاقی نیفتد. ولی در قالب این گفت‌وگو ضرورت دارد به این مساله اشاره کنم که در صورت وقوع چنین اتفاقی، بخش مهمی از عرصه هنرهای تجسمی، در معرض نابودی قرار می‌گیرد.»

سازوکار موزه و سازمان میراث فرهنگی با یکدیگر متفاوت است

از رئیس موزه هنرهای معاصر تهران درباره چرایی و تبعات انتقال موزه هنرهای معاصر تهران به سازمان میراث فرهنگی می‌پرسم، این مقام مسئول در پاسخ به این سوال می‌گوید: «طبیعی است که انتقال موزه به سازمان میراث فرهنگی عملا سنخیتی با آنچه در این سال‌ها در موزه می‌افتاده، ندارد. درعین حال سازوکار و عملکرد این دو نهاد یعنی موزه و میراث فرهنگی دراین سال‌ها متفاوت بوده و اصلا چطور ممکن است که این دو حیطه در هم آمیخته شوند، درحالی که موزه همان‌طور که از نامش پیداست، عنوان هنر معاصر را یدک می‌کشد و سازمان میراث فرهنگی سال‌هاست که داعیه‌دار و مکانی برای صیانت و حفاظت از آثار ملی کشور ماست. بنابراین چنین حرکتی احتمالا بی‌آنکه تمهیدی درباره‌اش اندیشیده شود، در حال عملی شدن است. ولی باز هم تکرار می‌کنم اگر این اتفاق بیفتد به نابودی هنر معاصر می‌انجامد؛ آن هم در شرایطی که در سال‌های اخیر با مطرح شدن بحث اقتصاد هنر، هنرمندان عرصه تجسمی و دست‌اندرکاران این حیطه توانسته‌اند به فراخور فعالیت‌هایی که می‌کنند در پررنگ کردن اقتصاد هنر نقش بسزایی داشته باشند و به‌رغم محدودیت‌ها و کمبودهایی که در این وادی وجود دارد، اقتصاد را در زمینه هنر معاصر تا حدود زیادی پررنگ کنند.»

زارع با اشاره به اینکه موزه هنرهای معاصر تهران به نوعی سردمدار جریان هنر مدرن در ایران به شمار می‌رود ادامه می‌دهد: «این موزه از اعتبار و قدمت زیادی برخوردار است و طبعا جایگاه منحصر به فرد خود را در داخل و خارج از کشور در این سال‌ها حفظ کرده است.»

نمی‌دانم هدف از چنین برنامه‌ریزی‌هایی چیست؟

با رئیس موزه هنرهای معاصر تهران این مساله را مطرح می‌کنم که سال گذشته هم اتفاقی مشابه برای موزه افتاد و قرار بود موزه زیرمجموعه بنیاد رودکی قرار بگیرد، او هم با تایید این نکته که در سال‌های اخیر موزه بارها از سوی نهادهای مختلف مورد هجمه قرار گرفته می‌گوید: «سال گذشته هم شاهد کشمکش‌هایی از این دست بوده‌ایم و حالا هم عده‌ای برای موزه برنامه چینی کرده‌اند و می‌خواهند آن را به سازمان میراث فرهنگی منتقل کنند تا اموال تاریخی و فرهنگی موزه که به‌طور مشخص مشتمل بر گنجینه است تحت نظارت میراث فرهنگی قرار بگیرد.» رئیس موزه هنرهای معاصر تهران اضافه کرد: «موزه در سال‌های اخیر به مدد برگزاری نمایشگاه‌های ارزشمندی چون نمایشگاه تونی گرک، نمایشگاه علی‌اکبر صادقی، نمایشگاه پرویز تناولی و نمایشگاه آثار گنجینه توانسته طیف مخاطبان وسیعی را جلب و با جریان هنر معاصر بیشتر آشنا کند. هرکدام از این نمایشگاه‌ها به دلیل مولفه‌هایی که دارا بوده‌اند، توانسته‌اند برآیند و دستاوردهای زیادی نزد مخاطبان، دانشجویان رشته‌های هنر، هنرمندان و منتقدان این عرصه داشته باشند. معلوم نیست کسانی که تصمیم گرفته‌اند این کار را انجام بدهند چه مقصود و هدفی از این کار دارند. موزه در این سال‌ها عملکردی بی‌حاشیه داشته است، در ماه‌های اخیر هزار نفر از موزه هنگام برگزاری نمایشگاه‌ها بازدید کرده‌اند، سینما تک موزه همواره فعال است و می‌توان گفت یک جور آشتی میان موزه و هنرمندان برقرار شده است. در چنین شرایطی چه ضرورتی دارد که چنین اتفاقی صورت بگیرد، صحبت من این است که متولیان مربوطه دست از سر موزه هنرهای معاصر بردارند و اجازه بدهند به فعالیت خود مانند گذشته ادامه بدهد.»

سازمان میراث فرهنگی درباره انتقال موزه نقشی نداشته است

بعد از صحبت با رئیس موزه هنرهای معاصر تهران، با بهمن نامور مطلق معاون هنرهای سنتی و صنایع‌دستی تماس گرفتم و از او درباره تصمیم اخیر سازمان میراث فرهنگی سوال کردم. نامور مطلق با اشاره به اینکه این مساله ابدا تصمیم سازمان میراث فرهنگی نبوده است، گفت: «مطلقا پیشنهاد انتقال موزه هنرهای معاصر تهران در تصمیمات سازمان نبوده و این تصمیم توسط دستگاه دیگری گرفته شده است. درواقع، بروز مشکلاتی که در زمینه گنجینه موزه به وجود آمده باعث شده چنین تصمیمی صورت بگیرد و سازمان میراث فرنگی هماهنگ‌سازی و رفع مشکلات تکنیکی و فنی را به عهده بگیرد. سازمان میراث فرهنگی متولی اصلی موزه‌های کشور است به جز موزه هنرهای معاصر تهران. ولی اگر می‌بینیم سازمان میراث فرهنگی دراین امر به توصیه نهاد دیگری ورود کرده به این خاطر است که برخی بر این باورند که آثار گنجینه موزه در مکان نامناسب و شرایط نامساعدی نگهداری می‌شود.»

بدون نظرخواهی هنرمندان این تصمیم قطعی نمی‌شود

از معاون هنرهای سنتی و صنایع‌دستی می‌پرسم. خود او فکر می‌کند وقوع این اتفاق چقدر می‌تواند به ضرر موزه هنرهای معاصر تهران باشد. نامور مطلق دراین باره هم می‌گوید: «به نظر می‌رسد باید در این زمینه بحث کارشناسانه شود و این بحث با حضور هنرمندان و نمایندگان انجمن‌های تجسمی حل و فصل شود.»

از او می‌پرسم وقتی چنین تصمیمی گرفته شده آیا برگزاری نشست‌هایی با حضور هنرمندان می‌تواند در این برهه از زمان تاثیرگذار باشد. این مقام مسئول می‌گوید: «تا جایی که می‌دانم این مساله هنوز قطعی نشده است و هنرمندان عزیز می‌توانند درباره آن به گفت‌وگو بنشینند. مطمئنا دولت خاصه وزارت ارشاد و سازمان میراث فرهنگی هم بدون بهره‌گیری از آرای هنرمندان تصمیمی نخواهند گرفت.»

نگهداری نامناسب از آثار گنجینه دلیل انتقال به میراث فرهنگی است

با نامور مطلق این سوال را مطرح می‌کنم که شاید تعداد موزه‌هایی که در سطح پایتخت مکان مناسبی برای آثار گنجینه نباشند، کم نیست با این وجود چرا چنین تصمیمی برای موزه هنرهای معاصر تهران صورت گرفته است. او با اشاره به اینکه موزه‌داری در ایران دارای مشکلاتی است که باید مرتفع شود، می‌گوید: «به‌هرحال درباره مساله ادغام موزه با سازمان میراث فرهنگی باید نظر کارشناسی صورت بگیرد، هنرمندان نظر بدهند و بگویند چقدر با این تمرکززدایی موافق هستند یا اینکه ترجیح می‌دهند تنوع در شرایط فعلی حفظ شود.»

سپردن موزه به میراث فرهنگی موجب فقدان رشد هنر می‌شود

حمید شانس هنرمند عرصه تجسمی و استاد دانشگاه نیز در این ارتباط معتقد است: «به نظر می‌آید در سال‌های اخیر، در زمینه محدود کردن فعالیت‌های تجسمی کارهایی صورت می‌گیرد؛ کارهایی که مسلما به نفع هنر کشور نیست. از اینها گذشته، سازوکار سازمان میراث فرهنگی در این سال‌ها بیشتر معطوف کنترل کارهای تاریخی بوده و طبعا برای انجام فعالیت زنده و پویای اجتماعی مناسب نیست. در نتیجه، سپردن موزه هنرهای معاصر تهران به سازمان میراث فرهنگی به نوعی فقدان قابلیت نمایش رشد و گسترش فعالیت تجسمی مملکت است و اگر چنین اقدامی صورت بگیرد، همه اهالی هنر باید هزینه آن را بپردازند. به نظر می‌رسد دوستان دارند دراین زمینه شتابزده تصمیماتی می‌گیرند که تبعاتی در پی خواهد داشت.»

چهارسو

۳ فیلم کمدی سال آینده با حضور فرخ‌نژاد، حجازی‌فر و جواد رضویان

پیوستن حمید فرخ‌نژاد به فیلم بالیوودی «دختر شیطان»، حضور هادی حجازی‌فر در فیلم کمدی «کاتیوشا» و ادامه فیلمبرداری «لازانیا» با بازی جواد رضویان از جمله خبرهای تولید سینماست. قرار است حمید فرخ‌نژاد در فیلم «دختر شیطان» به کارگردانی قربان محمدپور، با بازیگران سینمای بالیوود همبازی شود. گروه اول عوامل دختر شیطان در چند روز گذشته وارد بالیوود شده‌اند. طبق برنامه‌ریزی قرار است «دختر شیطان» دهم اسفند در بمبئی کلید بخورد. هادی حجازی‌فر، به‌عنوان بازیگر اصلی اثر علی عطشانی با عنوان «کاتیوشا» ایفای نقش می‌کند.»

مجید غلامی جلیسه از خانه کتاب رفت

از چند ماه قبل زمزمه‌هایی مبنی‌بر تغییر مجید غلامی جلیسه در خانه کتاب شنیده می‌شد. اما هر بار جلیسه مساله رفتنش را از این موسسه تکذیب کرد ولی درنهایت در روزهای اخیر این اتفاق افتاد و جلیسه از سمت مدیرعاملی خانه کتاب کناره‌گیری کرد. این درحالی است که معاون امور فرهنگی وزیر ارشاد با استعفای مجید غلامی جلیسه از سمت مدیرعاملی خانه کتاب موافقت کرد. جلیسه در سال ۱۳۹۳ به‌عنوان معاون پژوهی فعالیت رسمی خود را در خانه کتاب آغاز کرد و از اسفند همان سال به سمت مدیرعاملی خانه کتاب انتخاب شد.

کناره‌گیری پوراحمد از تهیه‌کنندگی «دو طبقه روی پیلوت»

چندی پیش الناز شاکردوست سر صحنه فیلمبرداری فیلم «دو طبقه روی پیلوت» ساخته ابراهیم ابراهیمیان دچار سانحه شد و پزشکان اجازه ندادند او تحرک داشته باشد. به همین دلیل چند روزی کار متوقف شد و بعد از چند روز فیلمبرداری با بازیگری دیگر که هنوز نام آن اعلام نشده است از سر گرفته شد. از کیومرث پوراحمد تهیه‌کننده درباره ادامه فیلمبرداری «دو طبقه روی پیلوت»، وضعیت ادامه کار این فیلم را جویا شدیم که او گفت: «هفته گذشته انصراف خود را از تهیه‌کنندگی فیلم به وزارت ارشاد اعلام کردم و با این پروژه ارتباطی ندارم.»

محمد توکلی عکاس و گرافیست درگذشت

محمد توکلی عکاس و گرافیست صبح ۲۸ بهمن ماه پس از تحمل یک دوره بیماری دارفانی را وداع گفت. او نزدیک به ۲۰ سال فعالیت پیوسته هنری داشت و با سلوک فردی، هنری و مراقبت‌های نفسانی، توانسته بود به مرتبه‌ای شگفت از آفرینش هنری برسد. مسعود نجابتی مدیرگروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح، در پیامی درگذشت این هنرمند را تسلیت گفت. در متن پیام که خطاب به احمد توکلی نگاشته شده، آمده است: «داغ درگذشت این عزیز سفرکرده، هنرمند عرصه تجسمی، نام خود را در این حوزه ماندگار کرده بود، برای همه جانگداز است.»

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن: ۶۶۳۴۸۰۱۸-۶۶۳۴۸۰۴۶ (۰۲۱)
فکس: ۶۶۳۴۸۰۱۷ (۰۲۱)
ایمیل: a66348018@gmail.com

آگهی تجدید مناقصه عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نظر دارد انجام کلیه امور نگهداری فضای سبز و خدمات خود در مجتمع امیرالمومنین(ع) و سایر مراکز وابسته طبق مفاد اسناد را از طریق مناقصه عمومی به صورت حجمی و یکجا به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. علاقه‌مندان می‌توانند با در دست داشتن معرفی‌نامه رسمی و فیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا شماره ۰۱۰۳۹۵۳۲۴۷۰۰۳ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه بابت خرید اسناد مناقصه، با مراجعه به دبیرخانه کمیسیون واقع در کرج- رجایی‌شهر- انتهای بلوار موذن و استقلال- طبقه سوم ساختمان اداری در مناقصه شرکت نمایند.
۱- آخرین مهلت خرید، تکمیل و تحویل پیشنهادات، حداکثر تا ساعت ۱۵ روز پنجشنبه مورخ ۹۶/۱۲/۱۰ می‌باشد.
۲- هزینه درج آگهی در دو روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۳- شرکت‌کننده در مناقصه ملزم به ارائه ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱/۲۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه می‌باشد.
۴- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
۵- همچنین سایر شرایط در فرم‌های اسناد مناقصه مندرج است.
کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی واحدکرج

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی‌ریز در نظر دارد مجتمع ۵۰ هکتاری کشاورزی قطرویه خود را که شامل باغ اناری و سایر درختان میوه می‌باشد از طریق مزایده به افراد واجد شرایط اجاره دهد. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند پس از درج و انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مزایده به دبیرخانه دانشگاه به نشانی ذیل مراجعه یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند. لازم به ذکر است مهلت تحویل مدارک به دبیرخانه از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز می‌باشد. واریز سپرده نقدی جهت شرکت در مزایده به مبلغ ۱٪ قیمت پیشنهادی مشروط بر اینکه از ده میلیون ریال کمتر نباشد به حساب ۰۲۱۶۱۸۷۳۳۳۰۰۴ بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی‌ریز الزامی است. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
آدرس: فارس، نی‌ریز، کیلومتر ۵ جاده نی‌ریز- شیراز دبیرخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی‌ریز
تلفن: ۵۴-۵۳۸۲۸۱۵۰-۰۷۱، داخلی ۲۱۶ دبیرخانه واحد
فاکس ۵۳۸۲۸۱۷۰-۰۷۱
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی‌ریز

آگهی مزایده عمومی

آموزشکده سما واحد شوشتر در نظر دارد بوفه و انتشارات خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به افراد واجد شرایط اجاره دهد. علاقه‌مندان می‌توانند به منظور آگاهی از شرایط و خرید اسناد به امور اداری آموزشکده سما واحد شوشتر مراجعه نمایند. حداکثر مهلت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مزایده به امور اداری آموزشکده سما از زمان درج آگهی در روزنامه به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد. ضمنا هزینه درج آگهی در روزنامه، نصب بنر و کرایه پرتابل در سطح شهر به عهده برنده می‌باشد و دانشگاه در رد و قبولی هریک از پیشنهادها دارای اختیار تام است.
آدرس آموزشکده سما واحد شوشتر: خوزستان، شوشتر، کوی نیرو، چهارراه ثبت احوال، آموزشکده سما شوشتر- صندوق پستی: ۱۱۴-۶۴۵۱۵ تلفن: ۳۶۲۳۱۰۰۸-۰۶۱
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر